

مطالعه سیر تحول و تداوم معماری چهارتاقی در شمال شرق ایران از دوره

ساسانی تا پایان سده چهارم هجری

میثم جلالی^۱ / جواد نیستانی^۲

دریافت مقاله: ۹۴/۴/۱۲

پذیرش مقاله: ۹۴/۶/۲۰

چکیده

فرم در معماری ایران نقش عمده‌ای ایفا می‌کند. چهارتاقی گونه‌ای از فرم‌های متداول در معماری ایران و دارای پیشینه‌ای کهن است که با بررسی ساختار و مطالعه روند شکل‌گیری و توسعه آن می‌توان با سیر تحول و تداوم معماری اعصار متمادی ایران آشنایی یافت. خراسان از نگاه تعدادی از محققان خاستگاه معماری چهارتاقی، فرم چلیپایی و پلان چهار ایوانی است. نگارندگاندر مقاله پیش رو با توجه به این رویکرد به مطالعه سیر تحول و تداوم فرم چهارتاقی در شمال شرق ایران از دوره ساسانی تا پایان سده چهارم هجری پرداخته‌اند. از همین رو، در مقاله حاضر برآنیم تا روشن سازیم کهنحوه پراکندگی چهارتاقی‌های شمال شرق ایران و تقسیم‌بندی کاربردی آنها به چه صورت بوده است؟ افزون براین، موقعیت مکانی چهارتاقی‌ها چه ارتباطی با کاربری و چه تأثیری بر فرم و ساختار آنها داشته است؟ و در نهایت چهارتاقی‌های ساسانی شمال شرق ایران چه تأثیری بر معماری دوره اسلامی منطقه نهاده است؟ این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی و با ابزار گردآوری اطلاعات بررسی‌های میدانیانجام شده است. نتایج حاصل از تحقیق حاکی از آن است که دو عامل مذهب و سیاست نقش عمده‌ای در شکل‌گیری و توسعه این گونه از معماری داشته است. موقعیت مکانی چهارتاقی‌ها نیز در نوع ساخت آنها، تاثیر مستقیم داشته و معماری دوره اسلامی منطقه شمال شرق ایران به‌ویژه در بناهای آرامگاهی، مساجد، کلاخ‌ها، کوشک‌ها و قلاع متأثر از طرح چهارتاقی ساسانی و فرم کلی ساختمان‌سازی آن دوره است.

کلید واژه: چهارتاقی، معماری ساسانی، معماری صدر اسلام، شمال شرق ایران.

^۱ دانشجوی دکتری باستانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
^۲ دانشیار گروه باستان شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. پست الکترونیک: jneyestani@modares.ac.ir (نویسنده مسئول)



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

ساسانیان و سده‌های نخستین اسلامی و مطالعه پیشینه معماری چهارطاق در آن نواحی، به بررسی میدانی تحول و تداوم فرم چهارطاقی در این بازه زمانی و محدوده جغرافیایی بپردازند. این امر با بازدید از آثار موجود در استان‌های خراسان رضوی، شمالی، جنوبی، سمنان و گلستان و پژوهش بر روی بناهای تاریخی آنها و در نهایت تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده انجام شده است.

محدوده جغرافیایی شمال شرق ایران

در زمان ساسانیان کشور پهناور ایران که از کوه‌های قفقاز تا دریای عمان و هند و از رود فرات تا کنار سیحون را در بر می‌گرفته ایران‌شهر نامیده می‌شده که به معنی کشور ایران است (مشکور، ۱۳۷۱: ۲۳۲). کتیبه شاپور اول در کعبه زرتشت از نخستین مدارک دوره ساسانی است که در آن فهرستی از ایالت‌های شاهنشاهی از جمله ایالت‌های شرقی ایران مانند هیرکانی، مرگیان، کاشغر، سفدیان و تاشکند آمده است (گاژه، ۱۳۹۰: ۲۵۰). همچنان که آمیلن مارسلن، مورخ رومی قرن چهارم میلادی، در کتاب چهاردهم تاریخ مفصل خود به ایالت‌های پارت (خراسان)، هیرکانی (گرگان)، مرگیان (مرو)، باختریان (بلخ) و سفدیان (سمرقند و بخارا) اشاره دارد (گاژه، ۱۳۹۰: ۱۴۲). در سده ششم میلادی در زمان پادشاهی انوشیروان، کشور به چهار استان یا بخش بزرگ به نام «پاذوکس» تقسیم شده بود که یکی از این مناطق خراسان و سرزمین‌های همجوار آن است. التون دانیل با

بررسی فرم چهارطاقی در معماری ایران، همیشه یکی از موضوعات بااهمیت برای محققان بوده است. آناز طریق مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای به بررسی این موضوع پرداخته‌اند و نتایج بررسی‌های خود را در کتاب‌ها و مقالات متعددی منتشر کرده‌اند. ماهنوز هم‌نحوه ساختوبه کارگیر یانسان‌ها ی معماری شگفت‌انگیز در هاله‌ای از ابهام مایمانده است. (ب. رای نمونهنک: Shippmann, 1971; Godard, 1938, 1949; Vanden Berghe, 1965; Boyce, 1975; Huff & Kane, 1990; Kaim, 2001; Boucharlat & Lecomte, 1987).

این سازه معماری باشکوه از یک سو دارای ویژگی‌های عمومی است که در تمام نمونه‌های برجای مانده با اندکی تغییرات دیده می‌شود و از سوی دیگر با توجه به شرایط جغرافیایی منطقه و دوره زمانی ساخت بنا، نشانه‌هایی از تفاوت‌ها در آنها مشهود است. در این میان معماری چهارطاق در شمال شرق ایران به نسبت مناطق غربی ناشناخته‌تر باقی مانده است که می‌تواند دلایل متعددی از قبیل نزدیک‌تر بودن مناطق غربی به خاستگاه ساسانیان یعنی سرزمین فارس و پایتخت آنها یعنی تیسفون، تراکم فعالیت‌های باستان‌شناسی در مناطق غربی ایران نسبت به مناطق شرقی، آسیب‌پذیری بیشتر مناطق شرقی نسبت به مناطق غربی و در برابر تهاجم دشمنان به خصوص اقوام بیابانگرد، داشته باشد.

نگارندگان در این تحقیق برآنند تا ضمن معرفی محدوده شمال شرق ایران در دوره

تأسی به این تقسیم‌بندی براین باور است که «ساسانیان خراسان را یکی از چهار استان کشور می‌دانستند و آنرا سرزمین «مشرق» می‌نامیدند. این استان به چهار بخش تقسیم می‌گردید که عبارت بودند از مرو، نیشابور، هرات، بلخ - که گویا شامل ماوراءالنهر و باختر نیز می‌شد - (دانیل، ۱۳۶۷: ۱۲).

در رساله پهلوی *شهرستان‌های ایران* تقسیمات چهارگانه: کوست خراسان و کوست خوروران و کوست نیمروز و کوست آذربایجان رعایت شده است (Daryae, 2002: 22-25). علاوه بر این، در اثر موسی خورنی (موسی خورتاسی) مورخ معروف ارمنی مربوط به قرن پنجم میلادی که مارکوارت آن را اساس تالیف خود قرار داده، شهرهای خراسان تا همدان در غرب و کابل در شرق امتداد داشته است (مارکوارت، ۱۳۷۳: ۳۷-۳۹). بعد از اسلام و در دوره خلفا استان خراسان مهم‌ترین استان‌های ایران به ششمی ارمی رفت و شامل مهم‌ترین شمال شرقی ایران تا مرز چین می‌شد (نفیسی، ۱۳۸۴: ۳۶۳). در دوره امویان، خراسان بر اساس یک تقسیم‌بندی جزو عراق عجم قرار می‌گرفت (سپهری، ۱۳۸۸: ۲۷۹-۲۸۰). اشپولر محدوده شمال شرق ایران در قرون اولیه اسلامی را شامل گرگان، نسا و ابیورد و مرو تا آمودریا می‌داند (اشپولر، ۱۳۶۹: ۶۲)، در حالی که لسترنج تمام ایالات اسلامی در سمت خاور کویر لوت تا کوه‌های هند و تمام بلاد ماوراءالنهر در شمال خاوری به استثنای سیستان و قهستان را جزو خراسان فرض می‌کند (لسترنج، ۱۳۶۴: ۴۰۸). در این خصوص برخی جغرافیدانان متقدم مانند

احمد بن ابی یعقوب (۲۷۸ ق)، اصطخری (۳۴۰ ق) و احمد بن عمر بن رسته (۲۹۰ ق) و احمد بن جیهانی، ابن فقیه و ابن حوقل جغرافیدانان سده ۴ نیز به اظهار نظر پرداخته‌اند (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۴۳-۸۶؛ اصطخری، ۱۳۶۸: ۱۶۸-۱۷۳، ۲۰۲-۲۰۳؛ ابن رسته، ۱۳۶۵: ۱۱۲، ۱۲۱-۱۲۲؛ جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۴۵-۱۴۹، ۱۶۷-۱۹۴؛ ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۱۷۱؛ ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۶۲).

پیشینه استفاده از فرم چهارتاقی در شمال شرق ایران

پیشینه استفاده از فرم چهارتاق در ایران به گذشته‌های دور و اساطیری باز می‌گردد. یکی از کاربری‌های مهم چهارتاقی‌ها، استفاده از آنها به عنوان آتشکده بوده است و بنا به روایت تاریخ اساطیری ایران یکی از اولین آتشکده‌ها توسط فریدون در توس و آتشکده دیگری به فرمان او و به نام بردسوره در بخارا ساخته شد (مسعودی، ۱۳۶۵: ۶۰۳/۱-۶۰۴). به گفته مسعودی در قومس آتشکده بزرگی بود که آن را «حریش» می‌گفتند (مسعودی، ۱۳۶۵: ۶۰۴/۱). ابوبکر احمد بن محمد همدانی معروف به ابن فقیه در کتاب *البلدان* از آتش جمشید یا آذرخره یاد می‌کند که در خوارزم بود و انوشیروان آن را به کاریان برد (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۷۶). اصطخری در *مسالك الممالک* از آتشکده‌ای به نام «سرشک» سخن می‌گوید که بر سرکوهی در نیم فرسنگی هرات واقع بوده است (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۱۰). ثعالبی در *غرر اخبار ملوک الفرس* (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۱۷۹) و ابن بلخی در *فارسنامه* ساختمان

اشکانیان می دانند، یعنی زمانی که آیین بودایی در نواحی تحت فرمانروایی کوشانیان رواج می یابد (فوشه، ۱۳۲۶: ۳۵- ۹۵۴؛ Emmerick, 2007: 954-958). از این بنا در متون جغرافیایی کهن مانند حـدودالعالم (۱۴۲۳: ۱۲۱)، مـروج الذهب (مسعودی، ۱۳۶۵: ۵۸۹/۱-۵۹۰)، نخبه الدهر فی عجائب البر و البحر (انصاریدمشقی، ۱۳۵۷: ۶۳)، مختصر البلدان (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۱۷۱-۱۷۳) و آثار البلاد و اخبار العباد یاد شده است (قزوینی، ۱۳۷۳: ۳۹۰). اغلب محققان این بنا را یک معبد بودایی (Bulliet, 1976؛ فوشه، ۱۳۲۶؛ نفیسی، ۱۳۸۴؛ میرعابدینی، ۱۳۷۹؛ گلزار، ۱۳۹۱)، اما برخی نیز مانند انصاری دمشقی (۶۳: ۱۳۵۷) و لسترنج آن را آتشکده پارسی می دانند (۱۳۶۴: ۴۴۷-۴۴۸).

از دیگر آتشکده هایی که در سال های اخیر در افغانستان کشف شد، آتشکده سرخ کتل است. این بنا در حدود سال های ۱۹۵۲ و ۱۹۵۳ م توسط دانیل شلوم برژه یافت گردید (ستوده، ۱۳۸۶: ۱۹۱-۱۹۲). آتشکده سرخ کتل برخلاف فرم رایج آتشکده های دوره ساسانی، دارای سقفی مسطح و چوبی بوده که روی پایه هایی استوار گردیده و دهلیز طواف سه ضلع آن را در بر می گرفته است (کهزاد و شلوم برژه، ۱۳۳۳: ۱۳-۱۵).

بایرام علی (Mele Hairam) نام محوطه ای در ترکمنستان است که در سال ۱۹۹۸ م کشف گردید و به نظر می رسد بقایای یک آتشکده زرتشتی است (لوح ۱). ساختمان معبد شامل چهار اتاق مرتبط با پرستش آتش است که

آتشکده ای در بلخ به نام نوش آذر را به ویشتاسف (گشتاسب) نسبت می دهد (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۱۴۷). در پاره ای از متن های پهلوی هم اشاراتی درباره آتشکده ها هست از آن جمله در رساله *شهرستان های ایران* آمده است که کیخسرو پسر سیاوش آتش پیروزمند بهرام را در سمرقند برپا کرد (Daryae, 2002: 22). برخی از این آتشکده ها دارای مستندات و شواهد مادی و تاریخی هستند که از آن جمله می توان به آتشکده آذر فرنیغ، گشنسب و برزین مهر اشاره کرد. پروانه پورشریعتی برای مکان یابی برزین مهر از دو احتمال سخن می گوید. کوه مهر در نزدیکی روستای مهر بین سبزوار و شاهرود و احتمال دیگر کوه ریوند در نیشابور و در جوار روستای برزینان (Pourshariati, 2008: 264). علی اشرف صادقی بعد از بررسی متون کهن مذهبی زرتشتی همچون *بندهشن* و متون قرون اولیه اسلام مانند *تاریخ بیهقی* و *شاهنامه*، بر این باور است که آتشکده برزین مهر بایستی در حوالی روستایی به نام جُنَبد باشد که امروزه جزو دهستان کیدقان بخش ششتم شهرستان سبزوار است و در گذشته جزو قلمرو ریوند بوده است (صادقی، ۱۳۸۲: ۱۴). موبد اردشیر آذرگشسب (۱۳۵۳: ۱۸) و کریستن سن از وجود آتشکده آذر برزین مهر در شهر ریوند خراسان نام می برند (۱۳۸۶: ۹۷).

علاوه بر آتشکده های مذکور بناهای چهارتاقی متعددی در شمال شرق ایران کهن ساخته شده است. یکی از مهم ترین این بناها، بنای نوبهار بلخ است که اساس ساخت آن را متعلق به دوره

اتینگهاوزن و گرابر مربوط به سال ۳۵۶ و ۳۵۷ ق (۱۳۷۸: ۳۰۳) است. این بنا کهن‌ترین نمونه از آرامگاه‌های دارای گنبد و سردر، در آسیای مرکزی است (خپکوا و خاکیموف، ۱۳۷۲: ۹). مزار عرب‌آتا شکلی پیشرفته‌تر از آرامگاه سامانی را به نمایش می‌گذارد (بزرگمهری و خدادادی، ۱۳۹۲: ۱۲۷؛ هیلن براند، ۱۳۸۶: ۱۰۳؛ اتینگهاوزن و گرابر، ۱۳۷۸: ۳۰۳). مسجد سنگی لاربند در ولایت فراه افغانستان، مسجد نه گنبد یا حاجی پیاده شهر بلخ (لوح ۳) و ساختمان بازار لشکری در ایالت هلمند افغانستان با وجود قسمت‌هایی چون گنبد، ایوان و اتاق صلیب شکل، از دیگر بناهایی هستند که سیر تحول و تداوم معماری چهارتاقی در آنها قابل ملاحظه است.

تحول و تداوم فرم چهارتاقیدر معماری شمال شرقی ایران

برای بررسی وضعیت معماری شمال شرقی ایران از دوره ساسانی تا پایان سده چهارم هجری و بر اساس مطالعات اولیه، ۴۹ بنا در استان‌های خراسان رضوی، خراسان شمالی، خراسان جنوبی، سمنان و گلستان انتخاب گردید. پس از انجام مطالعات دقیق‌تر، ۱۶ بنا که کمتر در آن دخل و تصرف صورت گرفته و تعلق آن به دوره تاریخی مورد نظر قطعی بوده و شواهدمادی کافی نیز در اختیار می‌نهاد، جهت بازدید میدانی گزینش شد (شکل ۱). این بناها شامل ۶ چهارتاقی به اسامی بازه‌هور مشهد، خانه‌دیو سبزوار، بندیان درگز، بنای سنگی اسپاخو بجنورد (لوح ۴)، تورنگ تپه گرگان و اولیاء نهبندان؛ ۴ مسجد به

از طریق یک ورودی اصلی قابل دسترسی است. با مقایسه گچ‌بری‌های این بنا با گچ‌بری‌های مجموعه بندیان درگز و کاخ کیش در بین‌النهرین می‌توان حدس زد که این آتشکده بین قرون ۵ - ۷ م ساخته شده است (Kaim, 2001: 13 - 21).

کاخ پادشاهی ساسانی در دامغان، آتشکده نیشابور که بعد از اسلام به مسجد تبدیل گردید و آتشکده آساک در حدود قوچان فعلی از دیگر بناهای ساسانی هستند که پیشینه معماری چهارتاق را می‌توان در آنها به وضوح ملاحظه کرد (گدار، ۱۳۷۷: ۲۵۷؛ حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۱۷؛ فرای، ۱۳۴۴: ۲۹۶؛ Burgan, 2010: 56). اما کهن‌ترین آرامگاه گنبدپوش دالان‌دار برجای مانده از دوره اسلامی که به سبک و سیاق چهارتاقی‌های ساسانی ساخته شده و ساختمان آتشکده‌های این دوره را به ذهن متبادر می‌سازد، آرامگاه خاندان سامانی در بخارا است (Diez, 1977: 3/924؛ پیرنیا، ۱۳۸۷: ۳۳۲) (لوح ۲).

پلان چهارگوش، قوس‌های بیضوی نزدیک به جناغی، گوشواره‌ها و تاق‌نماها و ستون‌های کور خارج بنا هر کدام نظایری در بناهای ساسانی، چون کاخ تیسفون و چهارتاق نيزار دارد (زمانی، ۱۳۵۵: ۹۶-۱۰۰؛ باقریان، ۱۳۹۰: ۹۰۱). از دیگر بناهای قرون اولیه اسلامی، مزار عرب‌آتا^۱ در شهر تیم (نزدیک سمرقند) (لوح ۳) است که به نظر هیلن براند متعلق به ۳۶۷ ق (۱۳۸۰: ۲۸۸) و

۱. آتا در زبان ترکی به معنای پدر است. واژه عرب‌آتا به معنای پدر عرب درست‌تر به نظر می‌رسد. تیم ظاهراً نام جایی در ازبکستان امروزی است (غفرانی، ۱۳۸۷: ۴۳۶).

است. مهم‌ترین دلیل مبنی بر ساسانی بودن بنا، وجود سفال‌هایی است که از محل بنا بدست آمده و مشخصات آنها قابل مقایسه با سفال‌های ساسانی است، از طرف دیگر ظاهراً فرم بنا، به فرم چهارتاقی‌های دوره ساسانی بی‌شباهت نیست (شایسته، ۱۳۸۷). به غیر از بناهای اشاره شده، از ۳ بنای دیگر نیز بازدید شد که احتمال تعلق آنها به دوره ساسانی بسیار است. این سه بنا، شامل قلعه دختر شوراب گناباد، قلعه برجک بردسکن و قلعه دختر رقه بشرویه است که هر چند شواهد معماری موجود حاکی از اسلامی بودن آنها است، اما شواهدی مانند قطعه سفال‌های قابل مقایسه با سفال‌های ساسانی، نام این بناها که پیشوند «دختر» دارند و وجود قرآینی مبنی بر بازسازی و استفاده دوباره آنها در قرون اولیه اسلامی، نزد محققان احتمال ساخت‌شان را در پیش از اسلام بسیار می‌نماید (زمانی، ۱۳۷۳: ۶۴-۶۷؛ لباف خانیکی، ۱۳۸۳: ۲۸؛ شناسایی، ۱۳۸۰: ۴-۵؛ حسینی، ۱۳۸۳: ۲۰۳-۲۰۴؛ صابر مقدم و طالبی، ۱۳۹۲: ۹؛ عنانی و شریفی، ۱۳۹۲: ۶۸). از میان ۸ بنای باقیمانده، دو بنای آتشکده تورنگ تپه گرگان و تاری‌خانه دامغان با توجه به شواهد موجود به صدر اسلام تعلق دارند (دهه، ۱۳۹۰: ۶۰؛ فینستر، ۱۳۹۲: ۲۸۰؛ پیرنیا، ۱۳۸۷: ۲۶۰؛ گذار، ۱۳۱۲: ۱۰۹؛ هیلن براند، ۱۳۸۰: ۷۶). مسجد کوشک فردوس و مسجد رقه بشرویه احتمالاً در قرون اولیه اسلامی پی افکنده شده‌اند، اما در دوره‌های بعد نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند (نوغانی، ۱۳۶۶: ۱۹۲؛ یاحقی و بوذرجمهری، ۱۳۷۴: ۲۲، ۶۸-۷۰؛ شعار، ۱۳۷۱:

نام‌های تاری‌خانه دامغان، کوشک فردوس، مسجد رباط زیارت رشتخوار خواف و رقه بشرویه؛ ۲ آرامگاه ارسلان جاذب مشهد و بارگاه امام رضا(ع)؛ کاروان‌سرای آهوان سمنان و ۳ قلعه شوراب گناباد، برجک بردسکن و رقه بشرویه است. از ۱۶ بنای بازدید شده، ۵ اثر به احتمال زیاد به دوره ساسانی تعلق دارند، اما تنها درباره یکی از آنها قطعیت وجود دارد و آن هم بنای بندیان درگز است و درباره ۴ اثر دیگر یعنی چهارتاقی بازه‌هور، چهارتاقی خانه‌دیو، بنای سنگی اسپاخو و آتشکده اولیا نهبندان هنوز شک و تردید باقی است. درباره چهارتاقی بازه‌هور برخی آن را متعلق به اواخر دوره اشکانی و بعضی دیگر متعلق به اواسط دوره ساسانی می‌دانند (Huff, 1989؛ گذار، ۱۳۷۱). برخی بنای چهارتاقی خانه‌دیو را به دوره ساسانی نسبت می‌دهند (بختیاری شهری، ۱۳۸۰: ۴؛ پیرنیا، ۱۳۸۷: ۲۳۴؛ هاشمی زرج‌آباد و دیگران، ۱۳۸۹: ۸۶؛ نامجو، ۱۳۹۲: ۲۲۰) و بعضی دیگر تعلق آن را به صدر اسلام محتمل تر می‌دانند (Kaim, 2001: 13)، موضوعی که در مورد بنای سنگی اسپاخو نیز صدق می‌کند (توحیدی، ۱۳۵۵؛ مقری، ۱۳۵۹؛ پروژه مطالعه، طرح مرمت و ساماندهی محوطه بنای اسپاخو: ۱۳۸۸). اما در باره محوطه بندیان درگز با توجه به شواهد قابل اعتماد موجود شامل نقوش گچبری‌ها و کتیبه‌های به‌دست آمده، در ساسانی بودن آثار تردیدی وجود ندارد (رهبر، ۱۳۷۴؛ همو، ۱۳۷۸)، در حالی که درباره آتشکده اولیا نهبندان و چهارتاقی بودن یا نبودن و تعلق آن به دوره ساسانی سخن بسیار

۱۵۸-۱۵۹؛ بخششایی، ۱۳۹۱: ۳۵). مقبره ارسلان جاذب، مسجد رباط زیارت رشتخوار خواف و کاروانسرای انوشیروانی با توجه به سبک معماری، مستندات تاریخی و تزیینات معماری به ویژه آجرکاری، به دوره غزنوی منسوب هستند (صالحی کاخکی و موسی تبار، ۱۳۹۱: ۱۰۶-۱۰۷؛ لباف خانیکی، ۱۳۶۷: ۱۷۰-۱۷۱؛ Schroeder, 1977: 3/998). در نهایت گنبدخانه امام رضا(ع) که به دلیل شرایط خاص مکانی و معنوی آن، انجام مطالعات میدانی در آن امکان پذیر نبوده است، اما با توجه به قراین و مستندات تاریخی و نظر کارشناسان احتمالاً ساختار اصلی بنا به دوره غزنوی و سلجوقیان تعلق دارد و با توجه به تزیینات کاشیکاری زرین فام و کتیبه‌های روی آن، قطعاً متاخرتر از اواخر سده ششم هجری نیست (ابنائیر، ۱۳۷۱: ۲۹۴/۱۰؛ سیدی فرخند، ۱۳۹۲: ۴۵؛ قصابیان، ۱۳۷۹: ۲۲) (شکل ۲). از میان ۱۶ بنای مطالعه شده، کاربری اولیه ۹ بنا مشخص و قطعی است، در حالی که در باره ۷ بنای باقیمانده گمانه‌زنی‌ها و احتمالاتی وجود دارد. آن ۹ بنا شامل چهارتاقی خانه دیو، آتشکده بندیان درگز، آتشکده تورنگ تپه گرگان، تاری خانه دامغان، مسجد رقه بشرویه، کاروانسرای انوشیروانی، قلعه دختر شوراب، قلعه برجک بردسکن و قلعه رقه بشرویه است. از سه بنای نخست شواهدی مبنی بر چهارتاقی بودن آنها به دست آمده است. در چهارتاقی خانه دیو و تورنگ تپه، سکو آتش و در بندیان درگز آتشدان یافت شده است (هاشمی زرج‌آباد و دیگران، ۱۳۸۹: ۸۳؛ دهه، ۱۳۹۰: ۵۶-۵۸؛ رهبر،

۱۳۷۸: ۳۱۹). برخی محققان نظیر گدار در باره تاری خانه دامغان احتمال می‌دهند که بنا بر روی بقایای یک کاخ یا آتشکده ساسانی ساخته شده (۱۳۱۲: ۱۰۴)، اما طبق گمانه‌زنی‌های اشمیت هیچ‌گونه آثار و شواهدی مبنی بر زندگی و فعالیت پیش از اسلام از اطراف مسجد یا سایر نقاط شهر دامغان به دست نیامده است (افشارفر، ۱۳۷۶: ۸۸). اما ۷ بنای دیگر که در باره کاربری اولیه آنها گمانه‌زنی‌هایی وجود دارد می‌توان از چهارتاقی بازه‌هور، بنای سنگی اسپاخو، آتشکده نه‌بندان، کوشک فردوس، رباط زیارت، مقبره ارسلان جاذب و گنبدخانه بارگاه امام رضا(ع) نام برد. با آن‌که برخی از محققان مانند هرتسفلد (۱۳۸۱: ۳۱۰) و وان‌دن‌برگ (۱۳۸۷: ۱۵) چهارتاقی بازه‌هور را آتشکده دانسته‌اند، اما گدار با توجه به ساختار بنا آن را در ارتباط با سازه‌های دفاعی ارتفاعات هم‌جوار می‌داند (۱۳۷۱: ۵۹). شهردان نیز این بنا را مرتبط با نیایش آن‌هیتا و تشریح معرفی کرده است (شهردان، ۱۳۳۶: ۱۷۹). برای بنای اسپاخو هم نظر قطعی وجود ندارد (افروند، ۱۳۷۷). دلیل آتشکده دانستن بقایای معماری یافت شده در حوالی نه‌بندان هم هم‌جواری این ویرانه‌ها با روستای آتشکده است که افراد بومی بر این باورند که روستا نام خود را از این سازه گرفته است (شایسته، ۱۳۸۷: ۳). بنای کوشک فردوس هم در شرایطی که در حال حاضر و با توجه به مستندات چون وجود محراب در قلبه‌گاه بنا، به عنوان یک مسجد مورد توجه است، اما محققانی چون نوغانی (۱۳۶۶: ۱۹۲)، یاحقی و بوذرجمهری (۱۳۷۴: ۲۲، ۶۸-۷۰) بنابر

شواهد معماری براین باورند که بنای اولیه، یک آتشکده بوده و بعدها به خانقاه تبدیل شده است. دیز با اتکا به شباهت فرم بنای ارسلان جاذب به چهارتاقی های ساسانی به خصوص وجود چهار درگاه در چهار طرف بنا، آنرا یک آتشکده می داند (Diez, 1977: 3/923).

بنابر آنچه گفته شد، در منطقه مورد مطالعه، با یک تسلسل معماری از دوره ساسانی تا قرون میانی اسلامی مواجه هستیم که هر چند در مورد قدمت و کاربری تعدادی از بناهای بررسی شده نظر قطعی وجود ندارد، اما با توجه به بقایای معماری، مستندات تاریخی و تاریخ شفاهی منطقه، این تسلسل، پیوند و تأثیرگذاری روشن و آشکار است. اما در ادامه و در جهت بررسی سیر تحول چهارتاقی در منطقه مورد مطالعه، یافته های معماری و داده های باستان شناسی تجزیه و تحلیل می شود. یافته ها و داده هایی که به جمع بندی موضوع کمک شایانی خواهد کرد شامل پلان بنا، مصالح، نوع پوشش سقف، انواع تاق های به کاررفته در بنا، گوشه سازی و ستون ها و ابعاد آجرها است.

همانطور که در آغاز اشاره شد، از فرم های رایج در پلان بناهای ایرانی، فرم چهارتاق، چلیپایی و چهار ایوانی است. روتر خاستگاه فرم چهارتاق (2/501: 1977)، اتینگه اوزن و دیگران منشأ فرم چلیپایی (۵۴: ۱۳۸۴-۵۵) و گذار زادگاه فرم چهار ایوان را خراسان می دانند (Godard, 1949: 4/74- 78). از میان بناهای مطالعه شده، پلان چهار بنای بازه هور، خانه دیو، مقبره ارسلان جاذب و گنبدخانه بارگاه

امام رضا (ع) دارای فرم چهارتاقی هستند. در دو بنای آتشکده بندیان درگز و تورنگ تپه گرگان اثری از جزرها باقی نمانده، اما با توجه به پلان بنا روشن می گردد که آنها نیز دارای فرم چهارتاق بوده و کف هر ۶ بنا به شیوه چلیپایی ساخته شده است. در بنای آتشکده اولیا نهبندان نیز با توجه به پرونده ثبتی اثر و اظهارات کارشناسان احتمالاً همین شیوه در ساخت بنا دنبال شده است (شایسته، ۱۳۸۷: ۳-۴). در بنای تاریخانه دامغان هم استفاده از چشمه تاق های مکرر که تشکیل شبستان مرکزی مسجد را داده، تداعی کننده شیوه فرم چهارتاقی های ساسانی است. در مسجد رقه بشرویه پلان مرکزی و اولیه مسجد با الگوپذیری از فرم چلیپایی احداث گردیده و در کاروانسرای انوشیروانی آهوان که بنای فعلی ظاهراً به دوره غزنوی تعلق دارد، با به کارگیری شیوه چهار ایوانی در احداث بنا، این احتمال تقویت می شود که قدمت بنا به پیش از دوره یادشده و به دوره ساسانی برسد. در بنای سنگی اسپاخو با آن که در نگاه اول ظاهراً هیچ یک از فرم های پیش گفته در ساخت بنا استفاده نشده، اما ساخت یک ایوان وسیع در جلوی بنا، نحوه تبدیل زمینه چهار گوش به دایره و نوع سکنج ها و مقایسه این بنا با آتشکده نگار در کرمان (لوح ۵)، تاق کسری در تیسفون و کاخ اردشیر در فیروزآباد، ما را قانع می سازد که نه تنها این بنا ساسانی است، بلکه پیرو یکی دیگر از فرم های رایج این دوره، یعنی ایوان وسیع با فضای گنبدی در پشت آن در خراسان است. در ۵ بنای بعدی یعنی مسجد کوشک فردوس، مسجد رباط زیارت

به استفاده از چینه در سایت بندیان درگز و بارگاه امام رضا(ع) اشاره کرد (شکل ۳).

در تمام بناهای مطالعه شده، پوشش سقف‌ها با کمک گنبد و تاق انجام پذیرفته است (لوح ۶). متأسفانه بر اثر گذشت زمان و یا احیاناً بر اثر آسیب‌های انسانی، پوشش سقف و حتی دیوارها و جرزهای بندیان درگز، اولیاء نهبندان و تورنگ تپه گرگان از بین رفته است. با این حال با کمک پلان بنا و یا داغ تاق‌های برجای مانده، وضعیت پیشین اتاق‌ها و دالان‌ها قابل تصور است، اما با بررسی پوشش گنبدی بناهایی چون بازه‌هور، اسپاخو و ارسلان جاذب مشخص می‌گردد که همه آنها دارای گنبدهایی کم‌خیز هستند، بر اساس گزارش‌ها این نکته در باره گنبد اولیه‌ای که بر روی آرامگاه امام رضا(ع) نیز ساخته شده بود، صدق می‌کند (مولوی و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۳).

مطالعه شیوه و فن ایجاد تاق‌ها نیز در سیر تحول فرم تاق‌زنی در معماری شمال‌شرق ایران حایز اهمیت بسیاری است. همان‌طور که پیش از این اشاره شد، تاق‌های گهواره‌ای و مازه‌دار یک فرم معمول و رایج در معماری ایران پیش از اسلام است، هر چند که در این دوره زمانی، معمار ایرانی با تاق‌های تیزه‌دار هم بیگانه نبوده است. در بررسی صورت گرفته، مشخص گردید از میان ۶ بنای قبل از اسلام، در ۳ بنای بازه‌هور، خانه‌دیو و اسپاخو استفاده از تاق هلالی یا گهواره‌ای مورد توجه بوده و در ۳ بنای بندیان، اولیاء نهبندان و تورنگ تپه نیز با آن که تنها پی بنا باقی مانده، اما با توجه به شباهت‌های آنها با بناهای پیشین و سایر بناهای ساسانی، استفاده از تاق گهواره‌ای در

و سه قلعه مورد مطالعه به دلیل تغییر و تحولات تخریب‌گسترده بسیاری که در دوره‌های بعدی در آنها به وقوع پیوسته، پلان اولیه‌شان قابل تشخیص نیست. قلاع نیز از پلان خاصی در ساخت پیروی نکرده و با توجه به موقعیت جغرافیایی و مکانی منطقه، احداث شده‌اند.

در ساخت اکثر بناها، بوم‌آورد بودن مصالح مورد توجه معمار بوده است. بدین ترتیب و با توجه به موقعیت جغرافیایی منطقه و کوهستانی یا دشت بودن آن، مصالح غالباً از سنگ لاشه، آجر و خشت است و این ویژگی چه در مورد بناهای پیش از اسلام و چه در مورد بناهایی که در شمال‌شرق ایران و بعد از اسلام ساخته شده‌اند، صدق می‌کند. به‌طوری‌که در بناهایی چون بازه‌هور، خانه‌دیو، اسپاخو، مسجد رباط زیارت، کاروانسرای انوشیروانی، قلعه دختر شوراب، قلعه برجک بردسکن و قلعه دختر رقه، مصالح غالب سنگ لاشه و در ابنیه‌ای چون تورنگ تپه گرگان، بندیان درگز، آتشکده اولیا نهبندان، تاری‌خانه دامغان، مسجد کوشک فردوس، مسجد رقه بشرویه، آرامگاه ارسلان جاذب و آرامگاه امام رضا(ع)، مصالح غالب آجر و خشت است. ملات گچ نیز به عنوان یک ملات رایج تقریباً در تمام بناهای مورد مطالعه استفاده شده است. از ملات ساروج نیز در ابنیه‌ای چون بنای اسپاخو، قلعه دختر شوراب و قلعه برجک بردسکن استفاده گردیده است. از دیگر مصالحی که مورد نظر معمار ایرانی در شمال‌شرق کشور بوده، می‌توان به استفاده از چوب در چهارتاقی بازه‌هور، تاری‌خانه دامغان و بارگاه امام رضا(ع) و

نمونه هایی که در بناهای مسجد کوشک فردوس، رباط زیارت، قلعه برجک بردسکن و قلعه دختر رقه نیز قابل مشاهده است (شکل ۴).

در نهایت آن که سکنجها نیز در تعدادی از بناهای مطالعه شده، قابل مقایسه با یکدیگر است (لوح ۹). با بررسی های صورت گرفته مشخص گردید سکنجها یا فیلپوشها در دو بنای ساسانی خانه دیو و اسپاخو به یکدیگر شباهت دارند و از طرفی آنها قابل مقایسه با سکنجها در بنای کاخ فیروزآباد و آتشکده نگار کرمان اند. از سوی دیگر سکنجها در دو بنای تاریخانه دامغان و مسجد رقه بشرویه نیز شباهت نزدیکی با بناهای ساسانی دارند، و این نکته خود گویای تداوم معماری، فرمها و تکنیکهای ایران باستان در دوران اسلامی است. درحالی که سکنجها در بنای بازه هور در مقایسه با سایر ابنیه مورد مطالعه، کاملاً متمایز است. در این بنا از چوب برای گوشه سازی استفاده شده است.

بحث و نتیجه گیری

خراسان از دیرباز یکی از مراکز مهم تمدنی در ایران زمین بوده و از خاستگاههای معماری ایرانی به ویژه دوسبک پارسی و خراسانی به شمار می رفته و بر سایر سبکها در دیگر نقاط ایران نیز تأثیرگذار بوده است.

بر اساس مطالعات انجام گرفته مشخص گردید که در دوره ساسانی چهارتاقیهای متعددی در خراسان بزرگ ساخته شده که از جمله می توان به چهارتاقیهای سرخ کتل افغانستان، بایرام علیتر کمستان، بازه هور مشهد،

این سه بنا قابل تصور است. شایان توجه است که با آغاز دوران اسلامی و ساخت و سازهایی که بعد از آن در ایران انجام پذیرفته، این تکنیک ساختمانی متوقف نگردیده و در بناهای این دوره شامل تاریخانه دامغان، کوشک فردوس، رباط زیارت، مسجد رقه، کاروانسرای انوشیروانی، قلعه دختر شوراب و قلعه دختر رقه همچنان استفاده از تاق گهواره ای یا مازه دار به قوت خود باقی است (لوح ۷). از دیگر وجوه اشتراکی که بین بناهای قبل از اسلام شمال شرق ایران و بناهای اسلامی می توان یافت، استفاده از تاقهای نعلی شکل است که در دو بنای خانه دیو و اسپاخو متعلق به قبل از اسلام و دو بنای تاریخانه دامغان و قلعه دختر برجک متعلق به دوره اسلامی مشاهده می شود (لوح ۸) که این موضوع نشان می دهد تبادل دانش و تجربیات بین نسل گذشته و نسل های بعدی در ایران همچنان برقرار بوده است. تحقیق حاضر روشن می سازد که تحول تدریجی در تکنیکهای تاق زنی در منطقه

شمال شرق ایران روی داده است، به طوری که در کنار استفاده از تاقهای گهواره ای و نعلی شکل در هر دو دوره معماری قبل و بعد از اسلام، معماران این دوره به سوی استفاده از تکنیکهای به روزتر نیز پیش رفت. در بنای تاریخانه دامغان، مسجد کوشک فردوس، مقبره ارسلان جاذب، کاروانسرای انوشیروانی، قلعه برجک بردسکن و قلعه دختر رقه از تاقهای جناغی با تیز کُند استفاده شده است و این در حالی است که هر چه به معماری دوره سلجوقی نزدیک تر می شویم، تیزی تاقها بیشتر می شود.

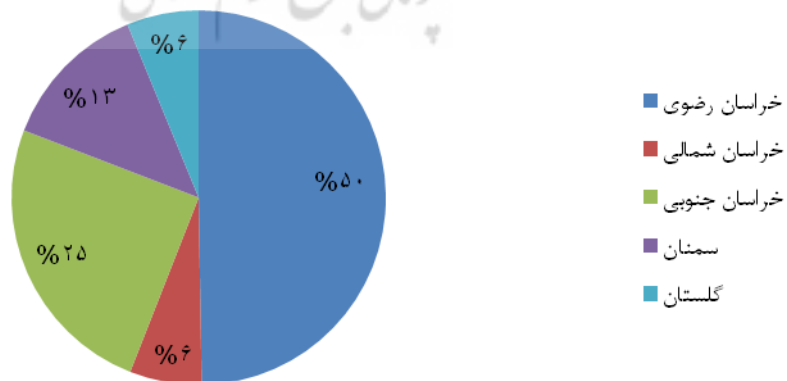
سنگ لاشه و در مناطق بیابانی و دشت‌ها از آجر و خشت است، اما در هر دو موقعیت معمولاً از گچ و بعضاً از ساروج به عنوان ملات استفاده شده است.

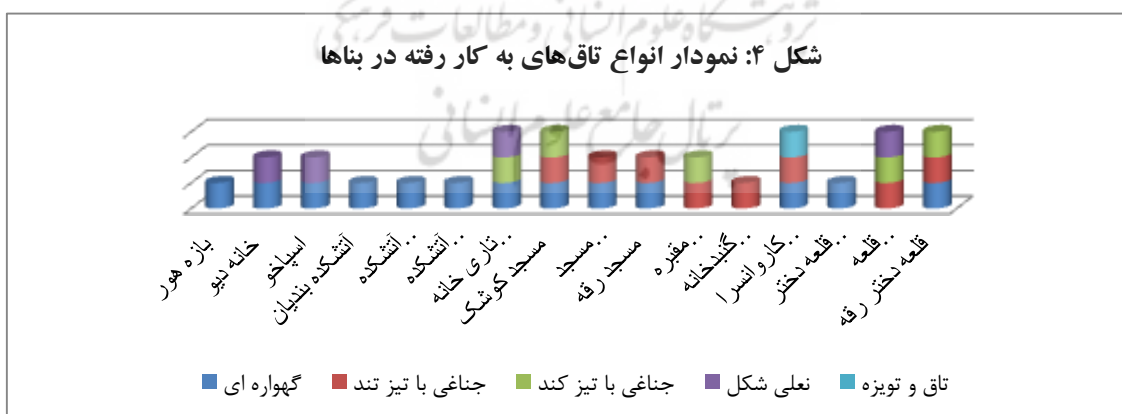
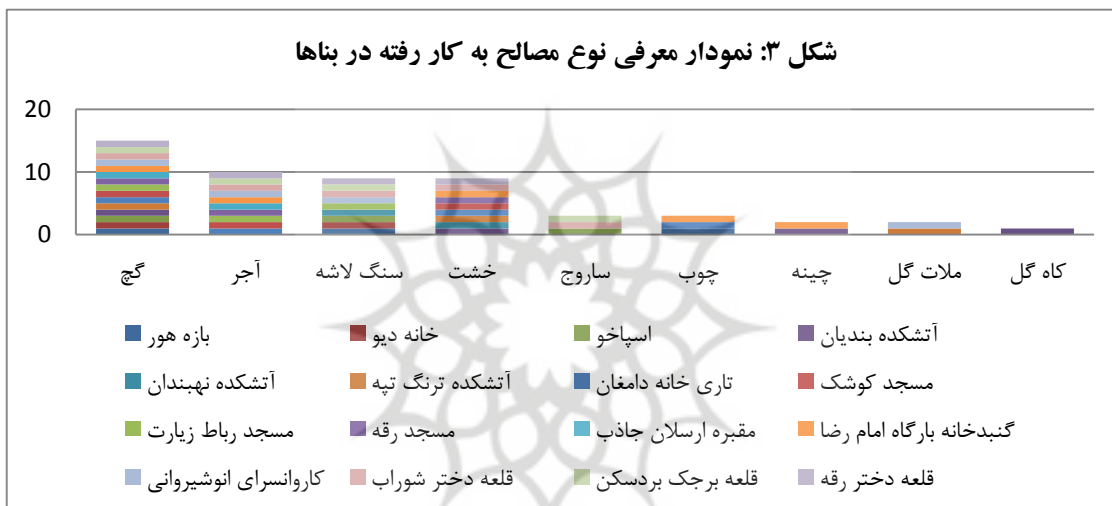
در نهایت باید اظهار داشت چهارتاقی یک فرم استاندارد در ساختمان‌سازی محسوب می‌گردد و همان‌طور که در پیش از اسلام و به‌خصوص از اواخر دوره اشکانی و تمام دوره ساسانی از این فرم به عنوان یک مبنا در معماری استفاده گردیده و این روند بعد از اسلام نیز ادامه یافته است. نمونه‌های فراوانی از معماری بناهای آرامگاهی، مساجد، کاخ‌ها و کوشک‌ها در سراسر ایران باقی مانده که از این شیوه الگو گرفته‌اند. به‌طوری‌که شباهت‌های انکارناپذیری در استفاده از فرم چهارطاقی در بنای بازه‌هور، خانه‌دیو و اسپاخو با تاری‌خانه دامغان، مقبره ارسلان جاذب و آرامگاه امام‌رضا(ع) وجود دارد. به نظر می‌رسد، حتی فلسفه وجودی آنها نیز به هم نزدیک است و این سنت معماری همچنان تداوم دارد.

بندیان درگز، تورنگ تپه گرگان، خانه‌دیو سبزوار و اسپاخو بجنورد اشاره کرد که بر اساس مستندات معماری موجود آشکده بودن اکثر آنها مسجل گردیده است.

چهارتاقی‌های ساسانی بر حسب شرایط و کاربری آنها در مکان‌های متفاوتی ساخته شده‌اند. معمولاً آنها را که به عنوان آشکده، آتشگاه و میل راهنما مورد استفاده قرار داده‌اند بر بلندی و آنچه در کاخ‌ها به کار گرفته شده را در دشت‌ها ساخته‌اند. نمونه‌های بارز این آثار نیز چهارتاقی خانه‌دیو سبزوار برفراز کوه و تورنگ تپه گرگان و کاخ اردشیر در فیروزآباد در دشت است. با توجه به شواهد موجود می‌توان گفت که موقعیت مکانی چهارتاقی در نحوه ساخت آن چندان تأثیر نداشته است و احتمالاً اغلب چهارتاقی‌های ساسانی برای ساخت از یک نقشه معمول و رایج پیروی می‌کرده‌اند. مصالح به‌کار رفته در چهارتاقی‌ها بیشتر از آن‌که تابع نوع کارکرد آنها باشد، تابع مصالح بوم‌آورد منطقه است، معمولاً در مناطق کوهستانی مصالح غالب

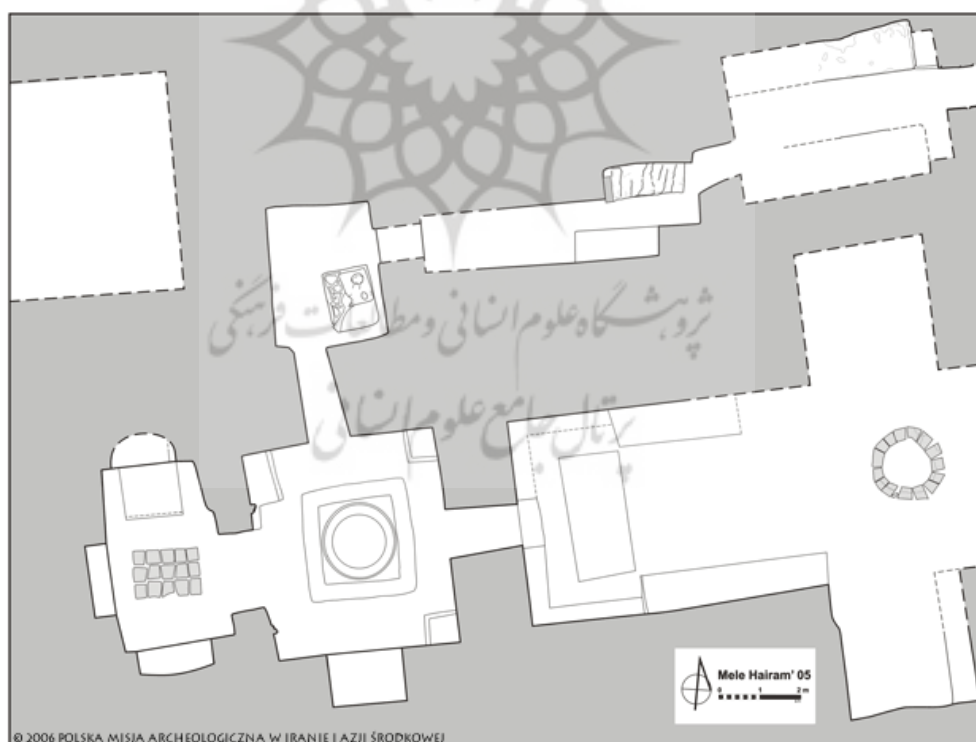
شکل ۱: نمودار پراکندگی جغرافیایی بناها بر حسب استان





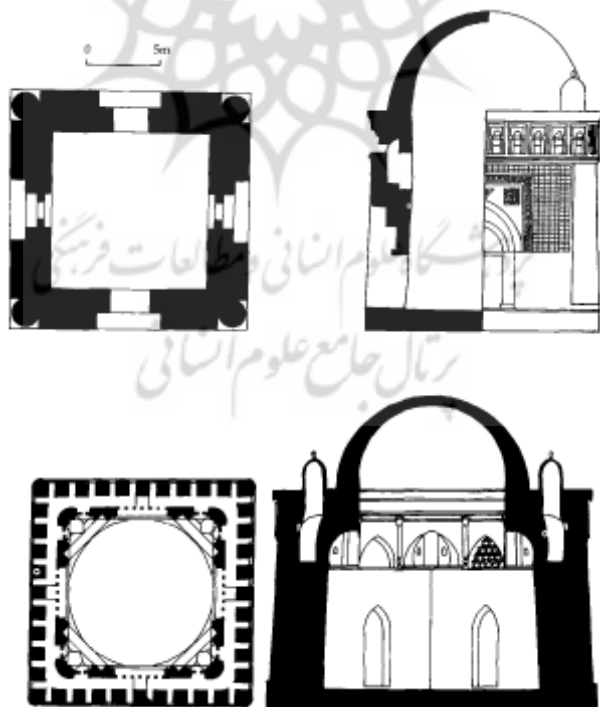


© 2006 POLSKA MISJA ARCHEOLOGICZNA W IRANIE I AZJI ŚRODKOWEJ



© 2006 POLSKA MISJA ARCHEOLOGICZNA W IRANIE I AZJI ŚRODKOWEJ

لوحة ۱: پلان و عكس آتشدکه بايرام علی در ترکمنستان (منبع: www.serakhs-oasis.uw.edu.pl)



لوح ۲: پلان و عکس آرامگاه سامانی در بخارا (منبع: www.islamic-arts.org و www.davidmus.dk)



لوح ۳: مزار عرب آتا در سمرقند (بالا) و مسجد نُه گنبد یا حاجی پیاده در بلخ (پایین) (منبع: <http://blogs.fco.gov.uk> و <http://archnet.org>)



ب

الف



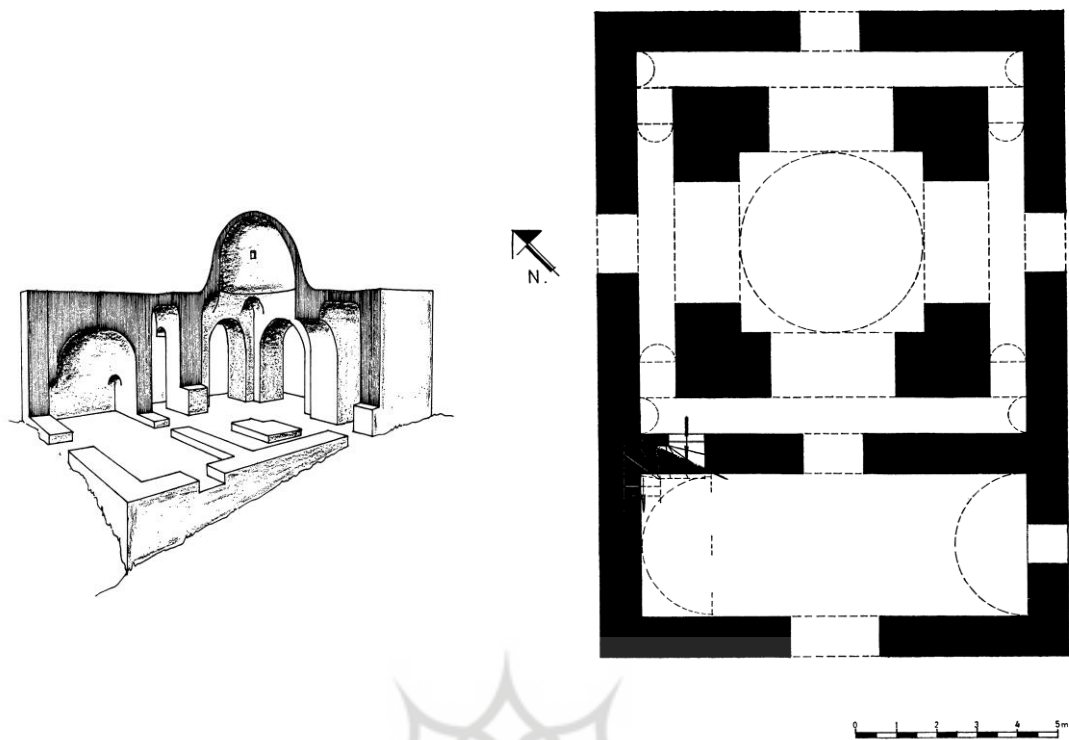
د

ج

لوح ۴: بنای بازه‌هور مشهد (الف)، چهارتاقی خانه دیو سبزواری (ب)، آتشکده بندیان درگز (ج) و بنای سنگی اسپاخو (د)

(منبع: نگارندگان)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



لوح ۵: پلان و عکس آتشکده نگار کرمان (منبع: Vanden Berghe, 1965 و حامد سلیمانی)



ب

الف



د

ج



ز

ر

لوح ۶: پوشش گنبدی بنای بازه‌هور (الف)، چهارتاقی خانه دیو (ب)، بنای سنگی اسپاخو (ج)، تاری‌خانه دامغان (د)، مسجد رقه (ر)، مقبره ارسلان جاذب (ز)

(منبع: نگارندگان)



ب



الف



د



ج

لوح ۷: نحوه ایجاد تاق گهواره‌ای در بنای خانه دیو سبزواری (الف)، بنای سنگی اسپاخو (ب)، مسجد کوشک فردوس (ج) و مسجد رقه (د)

(منبع: نگارندگان)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



الف



ج

ب

لوح ۸: نحوه اجرای تاق نعلی شکل در بنای اسپاخو (الف)، تازیخانه دامغان (ب) و قلعه برجک بردسکن (ج)
(منبع: نگارندگان)



ب



الف



د



ج



ز



ر

لوح ۹: گوشه‌سازی در بنای بازه‌هور (الف)، خانه دیو سبزوار (ب)، بنای سنگی اسپاخو (ج)، تاری‌خانه دامغان (د)، مسجد رقه (ر)، مقبره ارسلان جاذب (ز)

(منبع: نگارندگان)

منابع

- انصاری الصوفی الدمشقی، شمس الدین ابی عبدالله
محمد ابی طالب، *نخبه الدهر فی عجائب البر و البحر*، بطرزبورغ: مطبعة الأكاديمية الامبراطورية.
- باقریان، محمدرضا (۱۳۹۰)، *چهارتاقی نمونه‌ای از تأثیر معماری دوره ساسانی بر معماری دوره اسلامی*، از مجموعه‌های استان شناسی ایران در دوره اسلامی (۴۳) مقاله در بزرگداشت استاد دکتر محمدیوسف کیانی)، به کوشش محمدابراهیم زارعی، همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- بختیاری شهری، محمود (۱۳۸۰)، *گزارش ثبتی چهارتاقی خانه دیو (آتشکده آذر برزین مهر)* - سبزواری، مشهد: پژوهشگاه اداره کل میراث فرهنگی خراسان.
- بخشایشی، معصومه (۱۳۹۱)، *مستندسازی بنای تاریخی مسجد رقه (بشرویه)*، بشرویه: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی.
- بزرگمهری، زهره و آناهیتا خدادادی (۱۳۹۲)، *سیر تحول معماری ایران از آغاز دوران اسلامی تا پیش از حمله مغول*، تهران: سروش دانش.
- پروژه مطالعه، طرح مرمت و ساماندهی محوطه بنای اسپاخو (۱۳۸۸)، بجنورد: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان شمالی با همکاری شرکت مهندسی مشاور هفت خشت پارس، منتشر نشده.
- پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۷)، *معماری ایرانی*، تألیف و تدوین غلامحسین معماریان، تهران: سروش دانش.
- توحیدی، فائق (۱۳۵۵)، *گزارش ثبتی بنای سنگی اسپاخو بجنورد*، تهران: اداره کل حفاظت آثار باستانی و بناهای تاریخی ایران، منتشر نشده.
- ثعالبی نیشابوری، عبدالملک بن محمد بن اسماعیل (۱۳۶۸)، *تاریخ ثعالبی مشهور به غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم*، پاره نخست ایران باستان، همراه با ترجمه و مقدمه زتنبرگ و دیباچه مجتبی مینوی، پیش گفتار و ترجمه محمد فضائلی، تهران: نشر نقره.
- آذرگشسب، اردشیر (۱۳۵۳)، *آتش در ایران باستان*، چاپ اختر شمال.
- ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۷۱)، *تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران (وقایع قبل و بعد از اسلام)*، ترجمه عباس خلیلی، تهران: علمی.
- ابن بلخی (۱۳۷۴)، *فارسنامه ابن بلخی*، براساس متن مصحح لسترنج و نیکلسن، توضیح و تحشیه منصور رستگار فسایی، شیراز: بنیاد فارس شناسی.
- ابن حوقل، محمد بن علی (۱۳۴۵)، *صورة الارض*، ترجمه جعفر شعار، تهران: تابان.
- ابن خردادبه، عبدالله (۱۳۷۰)، *المسالك و الممالک*، ترجمه حسین قره‌چانلو، تهران: ناشر.
- ابن رسته، احمد بن عمر (۱۳۶۵)، *الاعلاق النفسیة*، ترجمه و تعلیق حسین قره‌چانلو، تهران: امیرکبیر.
- ابن فقیه، ابوبکر احمد بن اسحاق (۱۳۴۹)، *ترجمه مختصر البلدان بخش مربوط به ایران*، ترجمه ح. مسعود، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ایتینگهاوزن، ریچارد و الگ گرابر (۱۳۷۸)، *هنر و معماری اسلامی*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ایتینگهاوزن، ریچارد، امبرتو شرانو و آلسیو بمباچی (۱۳۸۴)، *تاریخ هنر ایران (هنر سامانی و غزنوی)*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.
- اشپولر، برتولد (۱۳۶۹)، *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه مریم میراحمدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- اصطخری، ابو اسحاق ابراهیم (۱۳۶۸)، *مسالك و ممالک*، به اهتمام ایرج افشار، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- افروند، قدیر (۱۳۷۷)، «آتشکده اسپاخو»، گاهنامه داخلی اداره کل میراث فرهنگی خراسان، سال اول، پیش شماره آبان ماه.
- افشارفر، ناصر (۱۳۷۶)، «مسجد تاریخی خانه دامغان»، مسجد، شماره ۳۳.

- امویان، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- ستوده، منوچهر (۱۳۸۶)، آثار تاریخی ورارود و خوارزم (جلد دوم: کش، ترمذ، بدخشان...)، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- سیدی فرخند، مهدی (۱۳۹۲)، نگاهی به جغرافیای تاریخی شهر مشهد، مشهد: انتشارات مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد.
- شایسته، محسن (۱۳۸۷)، گزارش ثبتی بقایای معماری آتشکده، بیرجند: ...
- سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خراسان جنوبی.
- شعار، جعفر (۱۳۷۱)، تحلیل سفرنامه ناصر خسرو (همراه با متن سفرنامه)، مصحح عباس رکنی، تهران: نشر قطره.
- شناسایی، علیرضا (۱۳۸۰)، گزارش ثبتی قلعه دختر شوراب گناباد، مشهد: میراث فرهنگی خراسان رضوی، منتشر نشده.
- شهمردان، رشید (۱۳۳۶ یزدگردی)، پرستشگاه زرتشتیان، بمبئی: سازمان جوانان زرتشتی بمبئی.
- صابر مقدم، فرامرز و زهره طالبی (۱۳۹۲)، گزارش ثبتی قلعه برجک بردسکن، مشهد: میراث فرهنگی خراسان رضوی، منتشر نشده.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۸۲)، «محل آذر برزین مهر»، نامه ایران باستان، سال ۳، شماره ۲.
- صالحی کاخکی، احمد و نجمه موسی تبار (۱۳۹۱)، «پژوهشی بر شناخت مجموعه ارسالان جاذب در دوره غزنوی در سنگ بست»، پژوهش‌های تاریخی، سال ۴۸، شماره ۱۶.
- عنانی، بهرام و مصطفی شریفی (۱۳۹۲)، «گزارشی از بررسی باستان‌شناسی و نویافته‌های آثار تاریخی شهرستان بشرویه»، مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، سال ۷، شماره ۲۸.
- غفرانی، علی (۱۳۸۷)، فرهنگ و تمدن اسلامی در ماوراءالنهر (از سقوط سامانیان تا برآمدن مغولان)، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- فرای، ریچارد (۱۳۴۴)، میراث باستانی ایران، ترجمه
- جیهانی، ابوالقاسم (۱۳۶۸)، اشکال العالم، ترجمه عبدالسلام کاتب، تصحیح و حواشی از فیروز منصوری، مشهد: به نشر.
- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله (۱۳۷۵)، تاریخ نیشابور، ترجمه محمد بن حسین خلیفه نیشابوری، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: نشر آگه.
- حدود العالم من المشرق الی المغرب (۱۴۲۳ق)، ترجمه عن الفارسیه و حقه یوسف الهادی، قاهره: الدار الثقافیه للنشر.
- حسینی، احمد (۱۳۸۳)، تاریخ بردسکن (با نگاهی ویژه به ترشیز قدیم)، سبزوار: امید مهر.
- خپکوا، گالینا پوگا و اکبر خاکیموف (۱۳۷۲)، هنر در آسیای مرکزی، ترجمه ناهید کریم زندی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دانیل، التون (۱۳۶۷)، تاریخ سیاسی و اجتماعی خراسان در زمان عباسیان، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- دهه، جان (۱۳۹۰)، آتشکده‌ای از دوره اسلامی در ترنگ تپه، در: آتش در خاور نزدیک باستان، ترجمه محمدرضا جوادی، تهران: نشر ماهی.
- رهبر، مهدی (۱۳۷۴)، «کشف گچ‌بری‌های جدید دوره ساسانی در بندیان خراسان»، میراث فرهنگی، شماره ۱۴.
- رهبر، مهدی (۱۳۷۸)، «معرفی آدریان (نیایشگاه) مکشوفه دوره ساسانی در «بندیان» درگز و بررسی مشکلات معماری این بنا»، مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، به کوشش باقر آیت‌الله زاده شیرازی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- زمانی، عباس (۱۳۵۵)، تأثیر هنر ساسانی در هنر اسلامی، تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر.
- زمانی، عباس (۱۳۷۳)، گناباد؛ پیر تاریخ، گناباد: نشر مرندیز.
- سپهری، محمد (۱۳۸۸)، تمدن اسلامی در عصر

- مسعود رجب نیا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- فوشه، الفرد (۱۳۲۶)، *ناو اویهارا یا معبد نوبهار بلخ*، ترجمه احمدعلی کهزاد، آریانا، شماره ۶۰.
- فینستر، باربارا (۱۳۹۲)، *مساجد اولیه ایران از آغاز تا دوره حکومت سلجوقیان*، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران: پازینه.
- قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۷۳)، *آثارالبلاد و اخبارالعباد*، تصحیح و تکمیل هاشم محدث، ترجمه جهانگیر میرزا، تهران: امیرکبیر.
- قصابیان، محمدرضا (۱۳۷۹)، «مشهد و حرم رضوی در دوره ساسانیان»، خراسان پژوهی، سال ۳، شماره ۶.
- کریستین سن، آرتور (۱۳۸۵)، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: امیرکبیر.
- کهزاد، احمدعلی و دانیل شلوم برژه (۱۳۳۳)، *سرخ کوتل*، افغانستان: انجمن تاریخ افغانستان.
- گاژه، ژان (۱۳۹۰)، *برآمدن ساسانیان و اسارت قیصر روم به دست شاپور اول*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: البرز.
- گدار، آندره (۱۳۱۲)، «تاریخ خانه دامغان»، مهر، سال ۱، شماره ۲.
- گدار، آندره (۱۳۷۱)، *آثار ایران*، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- گدار، آندره (۱۳۷۷)، *هنر ایران*، ترجمه بهروز حبیبی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- گلزار، سعید (۱۳۹۱)، *اقلیت های دینی در دوران ساسانیان*، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- لباف خانیکی، رجب علی (۱۳۶۷)، «مسجد رباط زیارت»، اثر، شماره ۱۵-۱۶.
- لباف خانیکی، رجب علی (۱۳۸۳)، *گناباد خاستگاه حماسه های پنهان*، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، معاونت معرفی و آموزش.
- لسترنج، گای (۱۳۶۴)، *جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مارکوارت، یوزف (۱۳۷۳)، *ایران شهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی*، ترجمه مریم میراحمدی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۶۵)، *مروج الذهب*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مشکور، محمد جواد (۱۳۷۱)، *جغرافیای تاریخی ایران باستان*، تهران: دنیای کتاب.
- معماریان، غلامحسین (۱۳۶۷)، *نیارش سازه های تاقی در معماری اسلامی*، تهران: جهاد دانشگاهی.
- معماریان، غلامحسین (۱۳۹۱)، *معماری ایرانی: نیارش*، تحقیق هادی صفایی پور، تهران: انتشارات نغمه نواندیش.
- مقری، علی اصغر (۱۳۵۹)، *بناهای تاریخی خراسان*، مشهد: اداره کل فرهنگ خراسان.
- ملازاده، کاظم (۱۳۸۷)، «چهارتاق»، در دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی.
- ملازاده، کاظم (۱۳۹۰)، *بررسی سابقه و نقش چهارطاق در معماری ایران*، از مجموعه باستان شناسی ایران در دوره اسلامی (۴۳ مقاله در بزرگداشت استاد دکتر محمدیوسف کیانی)، به کوشش محمدابراهیم زارعی، همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- مولوی، عبدالحمید، محمدتقی مصطفوی و ابراهیم شکورزاده (۱۳۸۸)، «سیر تحول معماری و توسعه آستان قدس رضوی»، ترجمه رجبعلی یحیایی، وقف میراث جاویدان، شماره ۶۵.
- میرعابدینی (۱۳۷۹)، *بلخ در آثار زرتشتی*، تهران: انتشارات ناهید.
- نامجو، عباس (۱۳۹۲)، *بناهای چهارتاقی ایران*، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- نفیسی، سعید (۱۳۸۴)، *تاریخ تمدن ایران ساسانی*، به اهتمام عبدالکریم جریزه دار، تهران: اساطیر.
- نوغانی، احمد (۱۳۶۶)، «آثار تاریخی شهر فردوس»، مشکوه، شماره ۱۷.
- هاشمی زرج آباد و [دیگران] (۱۳۸۹)، «چهارتاقی

- Costa Mesa, California.
- Diez. Ernest (1977), 'The Principles and Types' in A Survey of Persian Art, Edited by Arthur Upham Pope & Phyllis Ackerman, Volume III, Soroush Press, Tehran, pp. 916- 929.
- Emmerick. R. E (2007), 'Buddhism Among Iranian People', The Cambridge History of Iran, vol. III (2), ed. E. Yarshater, Cambridge University Press, London, pp. 949-964.
- Godard. Andre (1938), 'Les Monuments Du Feu' in Athar-e Iran: Annales du Service Archeologique de L' Iran, tome III, Jon. Enschede en Zonen, Haarlem, pp. 7- 82.
- Godard. Andre (1949), 'La Nizamiye De Khargird' in Athar-e Iran: Annales du Service Archeologique de L' Iran, tome IV, Jon. Enschede en Zonen, Haarlem, pp. 68- 83.
- Huff. Dietrich,(1989), 'BĀZA-KŪR', Encyclopædia Iranica, Vol. IV, Fasc. 1, p. 20; available online at <http://www.iranicaonline.org/articles/baza-kur> (accessed online at December 15,).
- Huff. Dietrich & Bernard O'Kane,(1990), 'Čahārtāq', Encyclopædia Iranica, Vol. IV, Fasc. 6, pp 634- 642; available online at <http://www.iranicaonline.org/articles/cahartaq> (accessed online at December 15,).
- Kaim. Barbara (2001), 'Zarathushtrian temple of fire (excavation in Turkmenistan)', Published by AGADE, Warsaw, pp. 3- 22.
- Pourshariati. Parvaneh (2008), 'Decline and Fall of the Sasanian Empire (The Sasanian- Parthian Confederacy and the Arab Conquest of Iran)', Published by I. B. Tauris & Co Ltd, London/ New York.
- Reuther. Oscar (1977), 'History of Sasanian Architecture' in A Survey of Persian Art, Edited by Arthur Upham Pope & Phyllis Ackerman, Volume II, Soroush Press, Tehran, pp. 493- 578.
- Schroeder. Eric (1977), 'The Seljuq Period' in A Survey of Persian Art, Costa Mesa, California.
- بخانه دیو، آتشکده‌ای نویافته از دوره ساسانی»، باغ نظر، سال ۷، شماره ۱۵.
- هرتسفلد، ارنست امیل (۱۳۸۱)، ایران در شرق باستان، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- هژبری، علی (۱۳۹۱)، تحول در ساختار معماری مذهبی دوره ساسانی؛ آتشکده‌ها - مطالعه موردی: بنای بازه‌هور، کندوکاو، سال ۴، شماره ۶.
- هیلن براند، رابرت (۱۳۸۰)، معماری اسلامی: شکل، کارکرد، معنی، ترجمه باقر آیت‌الله زاده شیرازی، تهران: روزنه.
- هیلن براند، رابرت (۱۳۸۶)، هنر و معماری اسلامی، ترجمه اردشیر اشراقی، تهران: روزنه.
- وندن برگ، لوئی (۱۳۸۷)، باستان‌شناسی ایران باستان، ترجمه دکتر عیسی بهنام، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- یاحقی، محمدجعفر و خدیجه بوذرجمهری (۱۳۷۴)، فردوس/تون (تاریخ و جغرافیا)، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۵۶)، البلدان، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- Boucharlat. Remy & Olivier Lecomte (1987), 'Fouilles de Tureng Tepe', sous la direction de Jean Deshayes, Editions Recherche sur les Civilisations, Paris.
- Boyce. Mary (1975), 'On the Zoroastrian Temple Cult of Fire', Journal of the American Oriental Society, Vol. 95, No. 3 (Jul.- Sep), pp. 454- 465.
- Bulliet. Richard (1976), 'Naw Bahār and the Survival of Iranian Buddhism', Iran, Vol. 14, pp. 140-145.
- Burgan. Michael (2010), 'Great Empires of the Past: Empires of Ancient Persia', Published by Chelsea House, New York.
- Daryae. Touraj (2002), 'Sahrestaniha i Eransahr', Mazda Publishers, Inc.,